

(مطبعه و اداره خانه)

(ده افغانان کابل)

سردبیر

سید محمد قاسم

همه امور تحریریه بنام

اداره فرستاده شود

اداره در انتشار و اصلاح مقالات

وارده مختار است

هر هفته یکبار نشر میشود

اوراق که درج نشود اعاده نمیشود

درین جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی
و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود

(قیمت سالانه)

ازوزرا و اعیان دولت بقدر

معارف دوستی شان

برای مکاتب ملی و کتب خانهای ملی

و معاونین و وقایع نیکاران (فخری)

رایگان

از عموم خریداران در داخله

(۱۲) روپیه کابلی در خارجه

نیم پوند انگلیسی با محصول پوسته

ازطلاب و محصلین نصف قیمت

ششماه

داخه

(۸) روپیه (۷) شلنگ

امان افغان

۷ ۳ ۳ ۱ ۳ ۶

از ابناى وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش
جریده برایش فرستاده میشود

قیمت يك شماره يك عباسی

تاریخ شمسی (۱۰) میزان ۱۳۰۴ هجری (شنبه)

تاریخ قمری (۱۴) ربیع الاول (۱۳۴۴) هجری

که مقدار زیادی املاک دولتی را خریده و وقف مؤسسات خیریه
نمود - با وجود این در موقع انقلاب کبیر فرانسه ، طرف سوء
ظن واقع گردیده توقیف شد .

سن سیمون به محض اینکه از حبس مستخلص شد ، شروع
به تحصیل علوم نمود . بازگترین علمای آن عصر مراوده کرده
و آنچه را که یاد میگرفت (یعنی تمام مواد تعلیمی مدرسه طب
و مدرسه دارالفنون را) مجاناً ب دیگران میآموخت و نه فقط مردم
را از علوم خود بهره مند میکرد بلکه با شاگردان خود
مساعدت مالی نیز مینمود ، ولی بالطبع عمری جز حق ناشناسی ندید
در ضمن سفری که بسویس کرد اولین کتاب از تالیفات
خود را در تحت عنوان « مکاتیب یکنفر از اهالی ژنو بمعاصرین
خود » منتشر نمود .

سن سیمون در سوئیس با (مادام دو استال) محوره مشهوره
آن عهد مزاجت اختیار نمود ولی نه از راه شهوت و هوا و هوس بلکه
برای اینکه بتواند با ثروت خود و عیال خود علمای معاصر را پذیرفت
و کمک بکند . همین جهت هم پس از یکسال خود و عیالش را
خانه خراب کرد و در نتیجه طرفین راضی بطلاق شدند .

خلاصه کلام سخاوت این شخص نسبت بنوع خاصه بنوع
علما و ادبا و هنرمندان بجائی کشید که این بدبخت مجبور شد برای
امرار معاش شغل بسیار مختصری را در اداره رهنی دولتی قبول
نماید و شخص خود را گرو بگذارد ! سن سیمون از فقر و فلاکت
علیل و مسلول شد و در حالتیکه خون از جگرش باسرفه بیرون میآید
یک نفر نوع پرور اتفاقاً پیدا شده او را موقفا پذیرائی کرد
و نجات داد . ولی در ۱۸۲۰ آن دوست نوع پرور فوت کرد و سن
سیمون دوباره باعدلت و فلاکت آشنا شد و هیچیک از دوستان

عشق بکار

درست يك صد سال قبل - در سنه ۱۸۲۰ میلادی -- در
شهر پاریس یکی از عجوبه های دنیا موسوم به (سن سیمون) فوت نمود .
سن سیمون را میتوان مخترع اصول سوسیالیسم و پدر
اجتماعیون حاضر دانست .

این شخص یکی از اشراف را دکان فرانسه بود و با خانواده
کنت دوسن سیمون که خود یکی از رجال معتبر در بارلوی
چهاردهم بود سمت خویشاوندی داشت . ولی هماغقدر که
کنت دوسن سیمون مانند بعضی از رجال مشرق بشهرت و لقب
بلند بود ، این سن سیمون نانوی از لقب و احترامات موهوم بیزار
بود و در ۲۹ سالگی رسماً از لقب بلند خود (میو دو -
رو وروا - کنت دوسن سیمون) استعفا داده و مانند اکثر
ارباب لقب حالیه ایران لقب خود را اسم فامیلی قرار داد و خود را
در تحت عنوان (سن سیمون) خشک و خالی معرفی کرد .

ولی این استعفا از لقب مانند استعفاهای حالیه ایران اجباری
نشد . سن سیمون خیالات بسیار عالی درخیله خود میروراید .

این شخص در سن نوزده سالگی صاحب منصب توپخانه بود و باقشون
فرانس در تحت فرماندهی (لافایت) مشهور بکمک امریکاییان رفته و در
جنگ استقلال آنازونی شرکت نموده و در سن ۲۳ سالگی بارتیه سرهنگی
فرانس مراجعت کرد . خواه در طی جنگهای خونین امریکا و خواه
در ضمن مسافرتهاى که پس از مراجعت بوطن خود در ممالک
مختلفه اروپا کرد ، این جوان حساس بفلاکت طبقات دوم و سوم
پزیده درصدد چاره جوئی برآمده . اول کار که کرد این بود

و شاگردان و اشخاص متعددی که مرهون منت مشارالیه بودند
 کترین مساعدتی را در حقش نکردند؛ در این موقع است که سن سیمون
 یکی از دوستان خود می نویسد « من از گرسنگی میمیرم بازده
 روز است که جز نان خالی و آب چینی نمیخورم . بی آتش کار میکنم
 و تمام لباسهای خود را فروخته تا بتوانم مخارج طبع تألیفات
 خود را بدهم - عشق مغربی که بلوم و سعادت عمومی دارم و
 میل من به یافتن یک وسیله ملایمی برای خاتمه دادن به بحر آن
 دهشتناک اروپای معاصر مرا باین حال فلاکت اشتغال انداخته
 سیزده سال بعد - در ۱۸۲۳ این فیلسوف بدبخت در همان
 حال فلاکت اشتغال بلکه بدتر باقی بود و بالاخره از زندگانی
 سیر شده خواست بیک تیرطیانه مغز خود را برانداخته آسوده
 شود .

بطبعی که برای معالجه اش آورده بودند . سن سیمون در
 حالتیکه خون از جراحت سرش فواره میرزد . گفت « قبل از همه
 چیز من شرح دهید که چگونه شخصی که هفت عدد ساجه
 در مغز جایی شده میتواند زیست نماید و فکر بکند . دکتر
 مخفی نداشت که جراحت خطرناک است و سن سیمون فوراً
 یکی از شاگردان خود « اوگوست کنت » فیلسوف مشهور گفت:
 چند ساعتی را که مجال داریم تلف نکرده از کارهای خود
 محبت بکنیم .

ولی جراحت سر سن سیمون التیام یافت و فقط یک چشمش
 تلف شد .
 و بالاخره در این بیان زندگانی بگفتار انسان - موسوم
 به (اورلد - رو در بک) پیدا شد و داخل در جرگه شاگردان
 سن سیمون شده معاش معلم بدبخت خود را تأمین نمود .
 سن سیمون یک ماه قبل از فوت خود بزرگترین تألیفات
 خود را موسوم به « مسیحیت جدید » که اصول فلسفه اوراپیان
 مینمود بطبع رسانیده منتشر کرد و در موقع اختصار ، بقدر
 از شاگردان خود که دور بسترش جمع شده بودند از کارهای
 خود محبت کرده به (رودریک) گفت:

در خاطر داشته باشید که برای انجام یک کار بزرگ انسان باید
 بان کار عشق داشته باشد .
 بلی . صد سال از مرگ سن سیمون میگذرد ولی اصول
 فلسفه او امروز با شکل مختلف در آمده اساس سوسیالیسم را
 تشکیل می دهند .
 عهد اجتماعی - تعاون مابین افراد نوع بشر - توسعه
 پروگرام مدارس ابتدائی و تاسیس مدارس متوسطه - آزاد شدن
 رنجبران و کارگران از اسارت بوسیله علوم و صنایع - تنظیم
 مشاغل - فوائد شرکتها تمام اصول عالی اجتماعی - حتی
 جمع بین الملل را سن سیمون پیش پی کرده و در واقع تخم می باشد
 که پس از یکصد سال سبز شده و بارور گردیده است .

اصول فلسفه سن سیمون از قرار ذیل است :

« هرکس بر حسب استعداد آن شخص - هر استعدادی
 به نسبت عملیات آن »

یعنی هرکس استعدادش بیشتر است کارهای بزرگتری را
 انجام داده مقامات عالیتر را اشغال نماید ولی استعداد آنها شرط
 کار نباشد و باید در موقع عمل ثابت شود که این استعداد بیفایده
 و بی اثر نمانده است .

صدسال میگذرد - اوگوست کنت بلانکی و (لال -
 کارل مارکس) و (ژورس) و بالاخره لنین - هر کدام بیک
 طریق اصول فلسفه سن سیمون را تفسیر و تکمیل نموده اند
 و اگرچه (سن سیمون) اسماً از میان رفته است ولی کلمات
 بر قیمت این مرد بزرگوار بایستی سر لوحه مراسم ما شرقی ها باشد .

**(برای انجام کار بزرگ ، انسان
 باید بان کار عشق داشته باشد)**

شاید هم عات عدم بشرفست مقاصد بشری
 همین است که عاشق مقصد خود نیستیم - پشت کار نداریم
 و از فداکاری میترسیم بعبارت آخری استراحت و رفاهیت شخصی
 را بحفظ منافع عمومی ترجیح می دهیم و همین واسطه از انجام
 مانده و از آنجا برانده - خسرت دنیا و الاخره با فقر و فلاکت
 عمومی دست بگیریم - و اگر در اخلاق خود تغییری ندیم
 ابدان در اینحال باقی خواهیم ماند .

اعتصام زاده - (از ستاره ایران)

*** مراکش ***

از مراکش اطلاع رسیده است که امیر عبدالکریم
 (اجدیر) که مرکز حکومت اوست بطرف جنوب روان شده
 است . وجهه خلیج (الحیمه) را به عم خود عبدالکریم
 سپرده است . اطلاعات اسپانی اظهار میدارند که اهل ریه
 انتظامات دفاعیه را تکمیل نموده اند و همه امور تعمیری
 نظر متخصصین با انجام رسیده است . در استحکامات ریه باین
 استحکامات هم هست که در جنگ عمومی استعمال شده است
 از اطلاعات تلگرافی همینقدر مستفاد میشود که قدر
 فرانسه میدان جنگ را وسعت داده اند طیاره ها - سوارها
 کردند ، ریهها دفاع میکنند و اراده هجوم دارند . مارشال
 لیوتی هم از باریس وارد مراکش شده است . فرانسوی
 در اینوقت بفکر تجاوز نیستند . هیپانویها کار مهمی نکرده
 قشون شان که در الحیمه فرود آمده بواسطه طغیان بجرگانی
 نمیتوانند از آنها معاونت کنند و با بدستنی از زان
 قشون اسپانی دوچار تکلیف است .

(خورسندی اعلیحضرت غازی)

از کارروائی های ع . ج . ا . ع سردار اعلی عبدالعزیز
 خان وزیر داخله در ایام نیابت شان هنگام مسافرت
 ذات شاهانه به استالف

وزیر صاحب داخله ع . ج . ا . ع سردار اعلی ، حضرت
 عالی آقای عبدالعزیز خان از اعظم رجال مملکت بشمار میروند
 جناب معزی الیه از بدو جلوس میامن مانوس اعلیحضرت متبوع
 مقدس معظم غازی در هر ماموریت مهم دولت که بایشان تفویض
 گردیده ابراز صداقت شعاری و فداکاری نسبت به متبوع معظم
 خویش نموده و در بدست آوردن رضا مندی ایشان ناآل
 افتخارات و امتیازات مهمه و فائز به مباحثات های فحیمه
 گردیده اند ، و از حضور شاهانه خدمات عالی شان با عبارات
 بلند و تالیفات ارجمند تقریر شده است .

در بدو جلوس همایونی یاور حضور مقرر گردیدند ، جمه
 استقلال که در همان ایام آمد جناب معظم له حصه مهمی درین
 راه بردوش خود گرفته چنانچه امور وزارت حربیه مفوض
 به ایشان بوده آنچه لازم ارزاق عسکر و تهیه لوازمات و غیره
 را بکمال خوبی انجام دادند . بعد از آن بوزارت داخله مقرر
 گردیدند ، در این موقع هم در تنظیم امور و جمع پول و اموال
 دولت را طوریکه باید سرانجام نمودند .

چونیکه به صفت رئیس هیئت تنظیمه بقدهار رفتند کارهای
 نمایانیکه در آنجا انجام نمودند و اصلاحاتیکه راجع به رفاه
 و آسایش عامه و رفع مرج و مرج بعمل آوردند برای عموم معلوم
 است . واقعه سلطان محمد خان و رفع غایبه آن یکی از اعمال مهمه
 جناب اوشان است که بر هیچکس مخفی نیست . انسان بصیر و خویر
 چون در اطراف آن واقعه و اوضاع محیط آن محل و موقع دقت
 بنماید و کار روانی جناب معظم له را با نظر عمیقانه منصفانه
 و بدقانه تحت عوز میگیرد . بلا تحمل حکم میتابند که بلندی مقام
 فکر و تدبیر حضرت عالی آنچه پایه است . بنابراین به مکافات آن
 خدمات صادقانه خویش از حضور بامر النور هایونی با انواع مراسم
 و تواضع و نشان مفتخر و سربلند گردیدند .

بعد ورود از قندهار به و کالت وزارت جلیله حربیه
 مقرر گردیدند . اینموقع از چنان مواقع صعبی بود که تصور
 خطرات آن هنوز از خاطرها فراموش نگشته هرکس بیاد دارد ،
 ساعی و مجاهدات حضرت عالی درین هنگام به اندازه ایست
 که زبان از بیان آن وقلم از توضیح اهمیت و بزرگی آن قاصر و کسو
 نداشت . هماغه که برای تقدیر آن . اظهارات همایونی بروز مکافات
 که خدمات جناب معظم له را درجه اول و خودشان را فرادول
 معرفی نمودند و علاوه از آن خورسندی و رضامندی تمام از اوشان
 کردند و نشان دیشان (المرطی) را برای حضرت عالی اعطا

فرمودند که تمام گذارشات با تفصیل در همان موقع درجراید نشر
 یافته است بهترین مقیاس . و بزرگترین حجت و برهان است و هم
 برای افتخار و مباحثات حضرت عالی مهم ترین وثیقه عالی شان .
 بعد از آن که حضرت عالی بوزارت جلیله داخله مجدداً

سرفراز گردیدند این سرفرازی هم عظمت شان اوشانرا نشان
 میدهد . چون که وزارت داخله یکی از مهمترین وزارتخانه های
 مملکت است که علاوه بر انتظامات داخلی از قسم تمهید آسایش
 و آرامی عامه افراد مملکت از سایر شیون زندگانی و نصب حکام
 صالح تجربیه کار دانا و بصیر به روحیات ملت و مملکت و ضروریات
 عصری و اقتدار فهم و تنفیذ قوانین واقع ظلم و فساد و احجافات
 و جلوگیری از تخمیلات غیر مشروع بر دوش عامه عهده دار
 و طالیف مهمه دیگر از قبیل تأمین ارزاق عمومی و تهیه موحیات
 آبادی و مراقبت در تشکیل بلدیله های منظم قانون و تهیه احصائیه کل
 مملکتی و تحصیل اطلاعات مفید و نقشه برداری تمام قطعات مملکت
 و غیره است که باید دوا بر این همه امور منظم گردیده و مثل
 سایر نقاط دنیا بوظایف حقیقی خود عمل نمایند چه و وظیفه
 وزارت داخله تعیین حکام خود سر و مداخله در بعضی امور جزوی
 نیست . لاجرم از بیان فوق الذکر بر هرکس اهمیت وزارت
 داخله واضح گردیده میتابند شخصیکه به آن از حضور همیچه
 یک پاشا کار آگاه تر قیخواه مقرر میگردد چه مرتبه بلیند و
 فکر رسای عالی . و تجربیه کار دانی دارد .

در موقعیکه اعلیحضرت غازی برای مسافرت ده روزه به
 استالف در اوائل برج اسد تشریف فرما گردیدند حضرت
 عالی وزیر صاحب داخله را به نیابت خویش مقرر نمودند که
 اجرای امور مهمه وزارتها و دواثر را بنمایند ، اعلیحضرت غازی
 بعد از عودت شان کلیه اجرات و احکامات حضرت عالی را دیدند
 چون بروفق امر شاهانه بود ازو شان بسیار اظهار خورسندی
 نمودند و فرمائی راجع باین امر که تا موجب افتخار شان باشد
 به اوشان عطا نمودند که در نتیجه عیناً فرمان مذکور را برای
 استحضار قارئین محترم درج می نمایم .

تبر ۱۶۲ - مورخه ۱۲ اسد ۱۳۰۰

ع . ج . ا . ع عبدالعزیز خان وزیر داخله
 کار روایهاییکه تا افضای بودن من در استالف بر تادی فرمان
 تبر ۱۵۷ اجرا کرده بودید محض برای معلومات ملاحظه کردم
 تمام احکامات مصدوره آن مناسب تقاضای وقت و مطابق سیاست
 دولت بود ، از حسن کار روانی و اجرا آت شما خورسند گردیدم .
 امضای مبارک اعلیحضرت غازی

در خاتمه حضور حضرت عالی وزیر صاحب داخله را باین
 افتخار تازه شان تبریک گفته نیاز داریم که همه وقت صدر همیچه
 کارهای مهم گردیده به نیل رضای اعلیحضرت متاخر شوند .

مجموعه عسکریه

« مجموعه عسکریه » يك مجله مهمی است كه از عرصه چهار سال با نظرف از دائره نشریات وزارت جلیله حربیه بقلم صاحب منصبان خیر و بصیر در شیوه حربیه و فنون مربوطه به آن . ماه یکبار نشر میشود . بنا بر بعض عوارض يك دو مرتبه در نشر این مجموعه چندی تعویق رخ داد . چنانچه از پارسال ماه سرطان تا این وقت نشر نشد . علتش چیزی است كه برای همه می معلوم است و نیز نمره تازه سال پنجم مجموعه در قسمت بعدی خود نوشته است یعنی :

« باعث تعطیل مجموعه عسکریه كه از تاریخ ماه سرطان سال گذشته الی حال شائع نگردیده این بود كه در پیش آمدن معامله اسف آور اغتشاش سمت جنوبی وزارت حربیه رسانیدن اطلاعات مفصله آنجا را بسرعت سریع لازم دانسته تصمیم خود را بتوسط اخبار حقیقت منتظماً در هفته سه بار اشعار نمود ؛ مشغولیت مطبوعه به طبع جریده حقیقت و غیره مطبوعات لازمه و گرفتاری هیئت تحریریه آن به امور متفرقه نشر آن را تعطیل داد . اکنون كه از توجه شهریارى معامله مذکور انجام و نشریات موقتی آتام یافت مجموعه عسکریه مجدداً به نشر خود آغاز كرد . مجموعه عسکریه با این نمره تازه سال پنجم خود نه تنها از محاق تعطیل و توقف هلال آسا بر آمده چشم منتظرین را روشن نمود بلكه دفعاتاً چون ماه شب چهارده با همه مزایا و محاسن كامل و تمام طلوع نموده جهان را بنور خویش منور ساخت حتی می توانیم بگوئیم كه این مجموعه عسکریه آن مجموعه عسکریه سابق است . این مجموعه با قطع خیلی موزون و كاغذ نفیس و طبع حرفی و مضامین بسیار عالی نافع عرض اندام نموده است .

از محاسن صوری مجله صرف نظر نموده مزایای معنوی مجله فوق العاده ما را بخود جلب و جذب نموده است و میگوئیم كه به تناسب کلیه اوضاع محیط كنونی مان ازین بلندتر و خوبتر آمان ندارد و نیز میتوانیم بگوئیم كه با همان مقیاس و ملاحظات از مجله ها و مجموعه های عسکرى بسیار جاها كتر نیست .

در این نمره تازه خود بعد از تمهید جریانات مانوره عسکرى یاغناش طویلی را كه در پیمان بموقع عید استقلال اجرا یافته بود نوشته . بعد از آن شرف اندازی ذات شاهانه را بقرارگاه وزارت حربیه در پنهان . بعد از آن مبحث مهمی در تنظیم و ترسیم خریطه و اهمیت عسکریه آن « بعد ترتیب ، موضوعات هوا بازی و قوای هوایه ، توپهای بم انداز در محاربات ، پیاده ، تشكیلات سیه (۱۹۲۴) اردوی سرخ روسی . قوای عسکریه

هندوستان را در (۶۲) صفحه نشر داده است كه مادومضون اخیر آن را انشاء الله در نمره های آتی امان افغان برای آگهی قارئین محترم نشر می نمایم . اگر چه دوسه موضوع دیگر آن هم قابل نشر و بسیار مهم است ولی بیشتر به اهل فن اختصاص دارد این ترقی فوق التصور مجله عسکریه نمونه ایست از توجهات عالیات حضرت عالی آقای محمد ولی خان وزیر حرب در ترقی و اصلاحات وزارت جلیله حربیه كه با كمال جدیت و صمیمیت مشغول آن بوده و در اكمال کلیه وسائل قوت و شوكت عسکرى افغانى صد قنقارانه بذل مجهودات دارند . بلى ازین ذات گرامی كه بهر كار تجربه شده اند همین توقع می رود كه شاهكارهای حربى شان هم یكى بعد دیگری مثل شاهكارهای درخشان سیاسى شان مورد تصدیق و تحسین جمهور ملت و رضامندی قوماندان اعظم اعلیحضرت غازی گردد .

درخانه دوام ترقی روز افزون مجله عسکرى را نیاز و سلامتی مطیع آنرا كه یگانه وسیله ترقی اوست از بحران مطابع اسفرد و تشكرات خود را از مساعی كاركنان اداره مجله و محررین فاضلین آن اظهار و اهل سواد را به اشتراك و قرائت آن توصیه و دعوت می نمایم . قیمت اشتراك سالانه (۶) روپیه است . از دائره نشریات وزارت حربیه در یافته می شود .

يك داغ دیگر بر جگر

فوت فرزند . آن هم فرزند جوان مد هشت ترین دانی است كه بجزگر والدین میرسد . محصلین افغانى كه در اروپا مشغول تحصیل فرزندان تمام پدران و مادران خطه فغانستان اند ، فوت هر يك از ان ها جگر تمام این پدران و مادران را داغ دارى سازد . ازین فرزندان حقیقی و معنوی ملت افغان متأسفانه هر سال يك نفر داعی اجل را يك می گوید چنانچه دوسال قبل دین محمد خان نام درالمان و پارسال محمد طاهرخان پسر جناب مستطاب محمد نادر خان در فرانسه وفات نمود . امسال سید اطفرخان پسر جوان جناب محترم (ع . ص) محمد حسین خان رئیس صاحب تد ریسات وزارت معارف كه درجه محصلین كلان سال و تقریباً دو سال می شود كه بادسته ۸ نفری اخیراً از راه روسیه به المان رفته بود درین ایام بمرض سل ترك حیات كفتند و ازین فوت خود در راه كوشش برای سعادت آتی وطن ، نام سنی برای خویش و افتخار عظیمی برای والدین خویش بیاد كار گذاشتند .

امروز كه (۶) میزان است ، وزارت جلیله معارف رسماً مراسم فاتحه گبرى آن اولاد جان نثار خود را در خود وزارت مشارالیه از ساعت (۳) نیم بجا آورد . كلیه وزرا و مأمورین دولت و محصلین كلان سال به این عزادارى شركت نموده نوبت به نوبت

دسته دسته مردم برای فاتحه حاضر می شدند . اگر چه ازین فاجعه عموم مردم منار و غمگین اند ولی نظر به روابط فطری ، علاقه مندان و منسوبین به معارف بیشتر احساس حزن و الم می کنند . امان افغان كه ناشر انوار عرفان است ازین ساحت المالك فوق العاده دلگیر و محزون بوده اجرهای جزیل ازین ایزد توانای جلیل در مقابل آن برای وطن آرزو می كند و برای حضرت محترم رئیس صاحب و متعلقین شان عووضهای دینی و ثواب های اخروی نیاز داشته تشفی خاطر شان را با صبر و حیل استعاضا می نماید .

پروگرام حرکت موكب

مسعود همایونی بسمت قندهار

و تعیین اوقات كار شاهانه در حین توقف قندهار . (۱) روز یکشنبه ۱۸ میزان ذات شاهانه بسواری موتور از دارالسلطنه كابل حرکت فرموده شب را در قلات منزل می کنند و فردای آن موكب همایونی در قندهار نزول اجلال میفرمایند . (۲) محل نزول شاهانه در قندهار به ارگت قندهار میباشد . (۳) بروز ورود شاهانه در قندهار مأمورین و اهالی بمواضیكه ع . ج . ا . ع عبدالعزیز خان وزیر داخله لازم بداند برای استقبال و پذیرائی اعلیحضرت غازی حضور بهم رسانیده و رسم تعظیم را بجا آورده اعلیحضرت غازی در حین ورود موكب خسروانه موضوع تشریف آوری خود را بقندهار بیان میفرمایند و از آنجا به خرقة مباركه مشرف گردیده بعد به ارگت تشریف میبرند . (۴) قبل از تشریف آوری ذات ملوكانه از (خرقة شریف) ارگت مأمورین و اعززه و معتبرین و خوانین قندهار به ارگت حاضر شده بمحفل حضور شاهانه شامل گردیده صرف چای و طعام مینمایند بعد تقری رخصت میشوند . (۵) از طرف وزیر داخله برای تا دو صد نفر از مأمورین بزرگ و اعززه و معتبرین قندهار تكتهای اجازه شمولیت محفل حضور داده میشود و آزمای كه ذات خسروانه بقندهار تشریف فرماید هر روز تقری مذکور بساعت ۱۲ شامل محفل حضور گردیده صرف طعام مینمایند و بعد از ختم بساعت ۲ رخصت میشوند . (۶) نسی نفر از اشخاص جوان خوانین و معتبرین قندهار عصره برای هواخوری همركاب اعلیحضرت غازی بسواری اسب رفته میتوانند بعضی روزها كه اعلیحضرت غازی بسواری موتور هواخوری میروند تا بیست نفر از ریش سفیدان قومی همركاب اعلیحضرت بسواری موتور میروند و برای این تقری تكت های اجازه از طرف ع . ج . ا . ع وزیر داخله داده میشود و این اجازه تقر هر روزه بوقت هواخوری بمحضور شاهانه حاضر شده میشوند . اگر قلات ملوكانه بسواری اسب هواخوری تشریف

میبردند جوان ها و اگر بسواری موتور میرفتند ریش سفیدها همركاب اعلیحضرت غازی میروند .

(۷) - تقسیم اوقات كار اعلیحضرت غازی :- (الف) - هر روز از ساعت ۹ دات اشرف ملوكانه شروع بكار نموده تا ساعت ۱۲ كارهای را كه در مواد آتی تعیین شده اجرا میفرمایند و از ساعت ۱۲ الی ۲ صرف طعام و ادای نماز و مجلس میشود از ساعت ۲ الی ۴ عرض و داد اهالی كه باعلاقه علاقه توضیح شده بمحضور شاهانه اصفا میشود .

ب - يك روز بصورت دربار رسمی عموم تقری كه بدر بار خبر میشوند شامل محفل حضور خواهند شد وقت انعقاد در بار در توقف بخود قندهار تعیین خواهد شد .

ج - بروزهای كار تا سه روز اول عرض های نایب الحكومه كه بمحضور شاهانه پیشنهاد می کنند ، باوقات كار ملاحظه میشود و بعد از آن بدیگر روزها در اوقات معینه كار بتبجه تفتیش كارهای شعب هر وزارت كه از حضور هیئت تفتیش مقرر میشود ملاحظه و از حضور شاهانه احكام و هدایات لازمه فرموده میشود .

(۸) - مأمورین كه برای شرفیانی حضور شاهانه در مركز قندهار حاضر میشوند از آن جمله حاكم ها و مناصف و كلای منتخبه تا حین عودت شاهانه بصوب كابل در قندهار مانده و دیگر مأمورین و و كلای منتخبه فردای روز ورود شاهانه بمحل ماموریت خود ها اعزام میشوند .

(۹) - حین عودت ذات شاهانه بسواری موتور يك شب در قلات و يك شب در مقر و دو یا سه شب در غزنین منزل فرموده روز ورود دارالسلطنه كابل ، چاشت را به وردك گذرانیده بخیریت وارد كابل میشوند .

(ترکیه)

بعد از واقعه كر دستان گیر و گرفت در ترکیه مخصوصاً در قسطنطنیه بسیار است و محاكم استقلال بسیار مردم را به تمت اینكه در مسئله كردستان دخل داشتند و يك عده مردم دیگر را به این نام كه تحت ریاست وحیدالدین مخلوع مجلسی تشكيل داده بودند و مرام آنان مخالف جمهوریت كونی تركیه است حبس کرده اند در این محبوسین احمد رفیق مؤرخ مشهور ترك و لطفی فكری يك وکیل نامی ترك هم بوده اند كه اکنون رها شده اند وعده محكومه به اعدام وعده محكوم به حبس دوام گردیده اند . مجلس وزرا حكم داده است كه دروازه تمام خانقاه ها بسته شود و در قلمرو تركیه کسی حكم مذهبی شیخ ها و پیر ها را قبول نکند . فقط برای مجاور ها اجازه داده اند كه عمامه بر سر بزنند لاكن در برابر مقامات رسمی در موقع تعظیم عمامه را از سر بکشند تا كه كلاه دارها كلاه از سر میکشند . لازم است كه كلیه اندران لباس اروپائی و كلاه يك دار بپوشند .

سلاطین و فراغه مصر همیشه آرزو های مادی شان تمام می شد . و دیگر (به تصور خود شان) در عالم مادیات احتیاجی نداشتند . کوس خدائی زده خود را خدا و آفریننده عالم خطاب می کردند !... و مردم را بجز واکراه و ادار به بندگی می نمودند ! ولی با همه این موفقیت های درخشان به هزار احتیاج دیگر بر می خوردند که مجبوراً در پیش عظمت خداوند بزرگ زانو بر زمین زده تسلیم می شدند !.. بشر هر قدر ترقی و تعالی کند ، هر آقدر سعادت های زندگانی (موهوم) برخوردار گردد ! همان قدر بلکه ده چند آن آرزو و آمالش ترقی کرده ، و از رسیدن بکمال مطلوب و مسیر اعلای خود دائماً در رنج و تعب می باشد ! زیرا این قضیه مسلمه فلسفی « عدم محدود بودن آرزو و آمال » در نزد جمهور معلوم و آشکار است ! تاکنون علمای اجتماع نقطه انتهائی برای آرزو و آمال بشر پیدا کرده نتوانستند . سلسله آرزو و آمال بشر بقدر دامنه افق پهناور و غیر محدود است ، چنانکه هر چنانظر کنی یک منظره افق محدود را تماشا خواهی نمود اما اگر در همان نقطه مقصود و منظور برسی باز هم بقدر چشم انداز یک دامنه وسیع و پهنی را با یک افق خونین و محدود دیگری خواهی یافت !... هم چنین است آرزو و آمال بشر ! آرزو های جوانی محدود بکامرانی و عشرت است ، ولی اگر به مقصود کامیاب گردیدند ، یک سلسله آمال درخشان دیگر در دماغ انسان پیدا میشود که تا رسیدن به مقصود ، مراحل پراز مشقتی را بایستی طی نمود !... اینجا است که اگر شیعه آرزو و آمال بسنگ ناامیدی مصادف شد عقلش خیره گشته و خلقت کاینات را عبت میداند ! نوامیس دینیه و اجتماعی را پشت بازده و از مجرای قانون اجتماعی منحرف می شود ! انسانی که در تمام عمر خود کامیابانه زندگانی کرده ، و همیشه شاهد آرزو و آمال را در بر گرفته خیلی شاذ و نادر است ! ولی عکس این مردمان بسیاری هستند ، که دقایق پراز بحران انتظار را بسر آورده و بارها زندگانی را بد گفته اند ، زیرا احساسات روشن و عواطف بیدارانها در مقابل مشاهدات خونین که در دهر حکم فرماست بزودی متاثر شده از اظهار عقیده خود خود داری نمیتوانند ! آن ها میگویند مجاهدات حیاتی چه معنی دارد ؟ مبارزه اجتماعی یعنی چه ؟ سعی و کوشش برای رسیدن به متنها آرزو و آمال بفر از رنج کشیدن و درد بردن چه نمره می بخشد ؟ .. آیاهمین توده بزرگ خاک (کره زمین) بارها از دست بشر آباد نشده ، بارها باز هم از دست همین جنس گرمی مخروبه نگردیده . آیایستیک ماشین حساسیت که برای اعمار زمین آفریده شده آیاتمام این قصور مشیده ، و کانهای فرعونیه ، بهمان یک دقیقه

راز بحران انتظار که انسان برای رسیدن باین آرزوی کشتار زرش بار اگر مرگ نمیبود ، اگر این سعادت برای همیشه می بود ، اگر رسیدن بهر مقصود سهل و آسان می بود ، اگر دقایق بحران انتظار روح بشر را فشار نمیداد ، اگر جمله افراد بشر باس از سعادت های زندگانی بهره می گرفتند آن وقت حیات نزد طرفداران این عقیده (قدر و قیمت داشت اما افسوس که سعادت در دهر وجود ندارد ؟ ... از همین جا است که اکثر ازادیان و شرایع ، حیات را مندر نموده اند . حضرت عیسی از دیگرها بالاتر رفته و حیات اجتماعی بد گفته ، حکم برهائیت و ازوا فرموده اند . جناب (بودا) که امروز پیروانش از همه بیشتراند و یکی از طرفداران هیئت جامعه ، و در زمره مقتدین اول محسوب می شود باز هم عقیده بدینی حیات را آنچنان بگرویده گان خود تبلیغ نموده ، که در هندوستان ، و چین بودا تیان تاکنون از همان فلسفه سر نکشیده اند و در مقابل مبارزه اجتماعی ملل رخاوت و خردمردی نشان میدهند ؟ بود آتی در مقابل عظمت و جلال طبیعت بکلی تسلیم است بود آتی هر چیز را بقضا و قدر حواله میدهد بود آتی کوشش در راه سعادت را عبت می داند ! بود آتی سعادت را در ازوا و انفراد دانسته تنها آتی و آمالش قنای فی الروح شدن است ! بودا میگوید « زندگانی بدبختی است ، انسان برای اینکه به نعمت های حیات دولت این دنیای فنی آرزو کرده در خود اقتدا ادامه دامن آن را نمی بیند . بدبخت است ! حیات عبارت از یک اضطراب طولانی است ، متشاء اضطراب احتیاجات است ، برای برطرف ساختن اضطراب محو کردن آرزو و آمال لازم است . برای محو کردن آمال ، آرزوی زندگانی نکردن و عبت به موجودیت نداشتن را ایجاد میکند ! کسیکه بایک عزم متین مسبب بدبختی و پریشانی را می شکند او عاقل است انسان میتواند بصورت تدریجی آرزو و آمال خود شکسته ، از احتیاجات آرزو ، حتی از چیز های دیگر نجات یافته آزادانه زندگانی کند کسیکه گریبان خود را از اضطراب حیاتی نجات داده بعد از حیات خود بحقیقت سعادت نائل می شوند ! ... این است که صانع ماهر و با قدرت تمام این مطالب و احکام بودا را باشاهکاری عجیبی در چهره غیبی و حزن آور این نوع تصویر نموده بود !